

تحریف نهضت آزادستان در باکو

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران

حسب: گل،

مقدمه:

روز چهارشنبه (89/3/19) به مناسبت نودمین سالگرد قیام شیخ محمد خیابانی کنفرانسی در دانشکده شرق شناسی آکادمی ملی علوم آذربایجان برگزار شد. در این کنفرانس که توسط کنگره به اصطلاح آذربایجانیهای جهان (DAK) برگزار گردید سخنرانان به تحریف وجهه ایرانی و اسلامی قیام شیخ محمد خیابانی پرداخته و در دروغی آشکار مدعی شدند که قیام وی برای تجزیه آذربایجان ایران بوده است.

در این همایش، گوهر بخشعلی اوا رئیس موسسه خاورشناسی آکادمی علوم جمهوری آذربایجان، با تحریف آشکار واقعیات تاریخی مدعی شد یکی از مواردی که در نهضت خیابانی جلب توجه می کند ماهیت قومی و روح آذربایجان گرایی مبارزات است، او در حالی استفاده شیخ محمد خیابانی از اصطلاح آزادستان برای جنبش خود را دلیل ادعای خویش عنوان می نمود که بسیاری از محققان تاریخی معتقدند خیابانی در اعتراض به اقدام مساواتیان قفقاز در مصادره به مطلوب کردن نام آذربایجان، نام آذربایجان ایران را به "آزادستان" تبدیل کرد تا آذربایجان قفقاز روزی به استناد اتحاد نام، آذربایجان حقیقی را ادعا نکند.

نظر به اینکه برگزاری همایش فوق بازتاب زیادی در رسانه های تصویری و نیز مطبوعات جمهوری آذربایجان داشته و از سوی دیگر تحریف شخصیت شیخ محمد خیابانی در جمهوری آذربایجان به همایش فوق محدود نبوده و حتی در کتب درسی این جمهوری نیز مطالب غیر واقعی که بیشتر شبیه افسانه است در خصوص ایشان و تعداد دیگری از مفاخر ایرانی به چشم می خورد، در این یادداشت تلاش خواهد شد شخصیت حقیقی شیخ محمد خیابانی و اندیشه های سیاسی و اجتماعی ایشان مورد اشاره قرار گیرد.

شیخ محمد خیابانی:

شیخ محمد خیابانی: فرزند حاج عبدالحمید تاجر خامنه ای در سال 1259 شمسی در خامنه (نزدیکی شهرستان شبستر) متولد و تحصیلات مقدماتی و ادبی را در همان جا گذراند. در جوانی همراه پدر به پتروفسکی رفت و مدتی را در تجارتخانه او به کارهای تجاری گذراند. بعد از مراجعت به خامنه، تجارت را رها نموده و در تبریز به تحصیل علوم دینی پرداخت. ایشان در مدرسه طالبیه تبریز، ادبیات عرب، منطق، اصول، نجوم، فقه، ریاضی و... را تلمذ نمود سپس دوره عالی فقه و اصول را نزد مرحوم آیه الله العظمی انگلی و هیئت ونجوم را در محضر منجم معروف مرحوم میرزا عبدالعلی یاد گرفت.

شیخ به سبب اقامتش در محله خیابان تبریز به این نام معروف شد. ایشان در مسجد کریم خان، واقع در محله خیابان تبریز، نماز جماعت می خواند؛ بعد از مدتی؛ شیخ محمد خیابانی با دختر یکی از علمای بزرگ تبریز - مرحوم آیه الله سید حسین خامنه ای، مشهور به سید حسین پیشنماز که در مسجد جامع تبریز اقامه نماز میکرد- ازدواج نمود و بعد از آن؛ خیابانی گاهی در مسجد جامع تبریز به جای پدر زنش، حاج سید حسین خامنه ای، نماز جماعت اقامه می کرد و از همانجا نیز مشهورتر گردید. بدین ترتیب، شیخ از دوران جوانی، از طریق مسجد با عموم مردم در ارتباط بود و مسائل دینی و علمی و فرهنگی و اجتماعی را برای مردم بازگو می نمود.

فعالتهای سیاسی شیخ محمد خیابانی:

بعد از پیروزی انقلاب مشروطیت در سال 1285 و تاسیس انجمن ایالتی آذربایجان در تبریز؛ زندگی شیخ محمد خیابانی وارد مرحله نوینی گردید. شیخ محمد خیابانی از اعضای برجسته انجمن بود و از ارکان فکری و رهبری آن محسوب می شد و در هدایت انجمن نقشی مهم داشت. او با لباس ZWJ&Z و روحانی و تفنگ بر دوش در سنگرها به دفاع از شهر و ناموس و حیثیت مردم مسلمان در مقابل سپاه متجاوزین الدوله می پرداخت و با مبارزان و مجاهدان در سنگرها می خوابید و به آنان دلگرمی می داد و بر مقاومتشان می افزود و راه آینده را روشن می کرد «یاران من! ما بر ضد حکومت ارتجاعی و استبداد قیام کرده ایم... هرگز نباید به خستگی و یاس تن در دهیم؛ بخصوص وقتی که بار سنگین زندگی ملتی از مویی باریک آویزان شده باشد... طوری رفتار کنید که شرافت تاریخی ما حاصل شود و قاطبه ملت ایران با امتنان و تشکر بگویند که تبریز، ایران را نجات داد.»

در انتخابات دور دوم مجلس شورای ملی که بعد از خلع محمد علی شاه از حکومت برگزار گردید؛ شیخ محمد خیابانی که میان مردم محبوبیت قابل توجهی داشت به همراه میرزا اسماعیل نوبری، نماینده دیگر مردم تبریز، راهی مجلس شورا شد. مجلس دوم در 24 آبان 1288 گشایش یافت و در 30 آبان به صورت رسمی آغاز به کار کرد. خیابانی پس از ورود به مجلس خود را ادامه دهنده راه شهدای انقلاب مشروطیت می دانست و در کنار نمایندگان هم چون آیت الله مدرس در مبارزه با استبداد داخلی و نفوذ خارجی از هیچ کوششی فرو گذار نمی کرد.

از جمله اقدامات ارزشمند شیخ محمد خیابانی در درودوم مجلس شورای ملی؛ اعتراض شجاعانه و مثمر ثمر او علیه اولتیماتوم استعمار گرانه دولت تزار روس بود. در اولتیماتوم مزبور چنین آمده بود:

«1- دولت ایران، مستر شوستر، خزانه دار و مستر لکوفر را از کارها بر کنار نماید.

2- دولت ایران، متعهد شود که از این پس بدون اطلاع و رضایت روسیه و انگلیس، مستشار از کشورها خارج استخدام نکند!

3- مخارجی را که دولت روس برای لشکر کشی به خاک ایران (رشتو انزلی) تحمل

کرده، باید توسط ایران پرداخت شود!

دولت روس و انگلیس برای دریافت جواب فقط 48 ساعت مهلت می دهند و در صورتی که دولت ایران متن اولتیماتوم را قبول نکند و تسلیم نشود. سالداتها و قزاقهای روس، به سوی قزوین پیشروی خواهند کرد و ایران را به اشغال خود در خواهند آورد! و در صورت پرداخت نکردن مخارج، مبلغ آندو برابر خواهد شد.»

مقاومت سرسختانه شیخ محمد خیابانی در برابر تصویب این التیماتوم موجب شد؛ تا مجلس این التیماتوم را رد نماید. در تاریخ 24 آذر ماه 1290 سفارت روس به دولت ایران (دولت موقت ناصر الملک) خبر داد که سپاه روس در قزوین گرد آمده است، اگر تا شش روز دیگر، همه خواسته های روسها پذیرفته نشود، آهنگ تهران خواهند کرد!

در 29 آذر ماه مجلس تشکیل جلسه داد. باز هم خیابانی و دیگر نمایندگان سخنرانی کردند و به رد اولتیماتوم رای دادند.

دولت موقت ناصر الملک در روز دوم دی ماه، جلسه ای با حضور هیات وزیران و نمایندگان سازشکار مجلس تشکیل داد. وثوق الدوله، بستن در مجلس را پیشنهاد کرد. ناصر الملک بی درنگ این درخواست را قبول نمود و دستور انحلال مجلس را داد و اجرای فرمان به عهده رئیس شهربانی تهران واگذار شد؛ بعد از انحلال مجلس؛ التیماتوم روسها توسط دولت پذیرفته شد.

دو ماه بعد از تعطیلی مجلس دوم؛ شیخ محمد خیابانی به مشهد مسافرت نمود و بعد از زیارت امام هشتم؛ راهی روسیه شد. در جمهوری ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان و داغستان خیلی از واقعیتها را به چشم دید؛ در آذربایجان کارگران ایرانی را دید که به سبب نبودن کار مناسب در کشور خودشان، سرگردان درواز وطن می گشتند و در مقابل دستمزدی کم؛ متحمل سنگین ترین کارها بودند.

دلیل سفر شیخ محمد خیابانی به روسیه این بود که بعد از انحلال مجلس؛ صمد خان شجاع الدوله به درخواست روسها، حاکم تبریز شده و محل انجمن ایالتی را ویران و بسیاری از آزادیخواهان را قتل عام کرده بود و منتظر خیابانی و همکاران و همفکرانش نیز بود. اگر خیابانی از تهران یا مشهد، به تبریز برمی گشت، بی شک به دست جلادان صمد خان

گرفتار و کشته می شد.

زمانی که شیخ محمد خیابانی بدون اطلاع قبلی وارد تبریز شد بعد از مدتی زندگی مخفیانه؛ با مشورت دوستان نزدیکش مقرر شد تا حضور ایشان در تبریز به اطلاع شجاع الدوله رسانده شود. حاکم تبریز که در مقابل کارانجام شده واقع گردیده بود؛ با توجه به اوضاع تبریز وترس از قیام مردم در صورت برخورد با شیخ محمد خیابانی؛ قبول نمود حکمی مبنی بر مصونیت خیابانی- مشروط بر اینکه جزیه امامت جماعت و کاروتجارت نپردازد - صادر نماید.

در مهر ماه سال 1293؛ تاریخ مصرف شجاع الدوله برای روسها به پایان رسید واز کار برکنار شد و آزادی تا حدودی به تبریز باز گشت و بعد از آن با ظهور انقلاب اکتبر روسیه؛ روسها نیز تبریز را ترک نمودند.

در این شرایط خیابانی از آزادی نسبی ایجاد شده استفاده نمود و دوستان آزادیخواه و مبارزش را - که اغلب دموکرات نامیده می شدند - گرد آورد و کمیته ای تشکیل داد. سپس همه نمایندگان دموکرات و آزادیخواه را از سراسر آذربایجان به تبریز دعوت کرد و کنفرانسی برگزار نمود. در این کنفرانس استانی، حدود چهار صد و هشتاد نفر شرکت داشتند. تشکیلات فرقه دموکرات، که پنج سال پیش ZWJ& تعطیل شده بود، دوباره تاسیس شد. در همان کنفرانس، انتشار روزنامه «تجدد» ارگان تشکیلات دموکرات، مورد تصویب قرار گرفت و خیابانی مدیر مسوول و صاحب امتیاز روزنامه شد. نخستین شماره تجدد در بیستم فروردین ماه 1296 انتشار یافت. شیخ در اولین شماره تجدد، مقاله ای تحت عنوان «نور حقیقت خواهد تابید» نوشت و لزوم اجرای قوانین مشروطیت و احیای آن را بیان کرد.

در همان سال خیابانی به رهبری فرقه دموکرات آذربایجان برگزیده شد و فرقه دموکرات را توسعه داد و اصلاحات اساسی در آن ایجاد کرد همگام با انتشار روزنامه تجدد و سرپرستی آن و درج مقالات، دست به اقدامات دیگری در جهت پیشبرد اهداف و تأمین آسایش مردم و تعیین والی برای آذربایجان زد تا مردم را برای حرکت عظیم و همگانی آماده سازد. در آن سال، خشکسالی بود و با رسیدن زمستان، مردم دچار قحطی و فقر شدند. خیابانی با تشکیل کمیسیون آذوقه، اعانه، دار المساکین و... توانست مشکلات مردم را از پیش پا بردارد و مردم را نجات دهد. او با گرانفروشی و احتکار فرصت طلبان مبارزه کرد.

در واپسین روزهای جنگ جهانی اول؛ در حالی که مردم تبریز با مشکلاتی از قبیل قحطی و فقر شدید سرد گریبان بودند؛ نیروهای دولت عثمانی (ترکیه) در ظاهر به بهانه تنبیه مسیحیان آشوری که با همکاری سالداتهای روس، مردم ارومیه را قتل و غارت کرده بودند و در حقیقت برای ضمیمه نمودن آذربایجان به خاک خود - جهت جبران سرزمینهای مستعمره از قبیل عراق و سوریه و... که از دست داده بود - پیاده نمودن سیاستهای پان ترکیستی خود به خاک آذربایجان حمله نموده و به غارتگری تبریز پرداختند. شیخ محمد خیابانی در مقابل یورش آنان به پا خاست و بعد از وارد نمودن تلفاتی به عثمانیها؛ ایشان به همراه برخی از همزمانش توسط مهاجمان عثمانی دستگیر شده و بیش از دوماه در ارومیه تحت اسارت و شکنجه آنان بود و بعد از آن نیز حدود 15 روز در شهر قارص زندانی بود. شیخ محمد خیابانی بعد از آن از زندان قارص آزاد شده و به ایران باز گشت.

مبارزه شیخ محمد خیابانی و یارانش با سپاهیان دولت عثمانی تقریباً با تاسیس دولت آذربایجان در قفقاز مقارن بود که آنان به نشانه اعتراض به نامگذاری نادرست آذربایجان برای شمال ارس پیشنهاد کردند تا نام آذربایجان تاریخی تغییر یابد. در کتاب تاریخ هیجده ساله آذربایجان نوشته احمد کسروی در پیرامون تغییر نام آذربایجان چنین آمده است: «در همان روزهای نخست خیزش حاجی اسماعیل آقا امیر خیزی که از آزادیخواهان کهن و این زمان از نزدیکان خیابانی می بود پیشنهاد کرد که آذربایجان چون در راه مشروطه کوشش کرده و آزادی را برای ایران گرفته، نامش را از آزادیستان بگذاریم؛ در این هنگام نام آذربایجان یک دشواری پیدا کرده بود؛ زیرا پس از به هم خوردن امپراتوری روس، ترکی زبانان قفقاز در باکو و آن پیرامون جمهوری کوچکی پدید آورده، آن را جمهوری آذربایجان نامیده بودند. آن سرزمین نامش در کتابها «اران» است؛ ولی چون این نام از زبانها افتاده بود و از آن سوی بنیاد گزاران آن جمهوری امید و آرزوشان چنین بود که با آذربایجان یکی گردند؛ از این رو این نام را برای سرزمین و جمهوری خود برگزیده بودند. آذربایجانیان که به چنان یگانگی خرسندی نداشته و از ایرانیگری چشم پوشی نمی خواستند، از آن نامگذاری قفقازیان سخت رنجیدند و چون آن نام گذاری شده و گذشته بود،

کسانی می گفتند: بهتر است ما نام استان خود را دیگر گردانیم. همانا پیشنهاد آزادیستان از این راه بوده است.»

در مرداد ماه سال 1298 انتخابات مجلس چهارم شروع شد؛ خیابانی با داشتن آراء قابل توجه حائز شرایط ورود به مجلس چهارم بود؛ در این ایام؛ دولت وثوق الدوله قرارداد 1919 را با دولت انگلیس منعقد نمود که براساس آن اختیارات کامل امور گمرکی و نظامی ایران به دست انگلیسیها می افتاد و ایران عملاً تحت الحمايه انگلیس قرار می گرفت. با انتشار متن قرار داد 1919 موجهی از اعتراض سراسر ایران را فراگرفت و مردم و علمای بزرگ آن زمان از جمله آیت الله مدرس به مخالفت با این قرار داد پرداختند. فرقه دموکرات در تبریز به رهبری خیابانی علیه قرارداد 1919 وارد عمل شد و روزنامه تجدد نوشت: «تا زمانی که قرارداد به تصویب مجلس نرسیده، ورق پاره ای بیش نیست و اعتباری ندارد».

دولت ایران (وثوق الدوله) به خوبی می دانست چنانچه خیابانی در مجلس چهارم حاضر باشد هیچگاه مهر تائید مجلس شورای ملی بر ذیل قرار 1919 نخواهد خورد؛ لذا طی یک ترفند سیاسی انتخابات آذربایجان را برهم زد و در نتیجه در آن دوره نمایندگان آذربایجان به مجلس راه نیافتند.

شیخ محمد خیابانی که حاضر نبود به هیچ وجه قرار داد 1919 بر ایران تحمیل گردد؛ به تهران سفر نمود و سعی داشت با برخی رجال سیاسی تبادل نظر نماید تا زمینه های مخالفت با قرار داد فوق را آماده نماید لیکن شرایط وفق مراد نبود. خیابانی در اثنای این سفر به علت سکوت بسیاری از صاحب منصبان در قبال این قرارداد و سایر اقدامات دولت پی برد چرا که وثوق الدوله مبلغ شصت هزار تومان به عنوان حق سکوت به ایشان پیشنهاد نمود تا با گرفتن این مبلغ کاری به کاری دولت نداشته باشد. خیابانی بعد از رد پیشنهاد فوق و با ناامیدی تمام از اصلاح امور توسط حکومت مرکزی؛ به تبریز باز گشت.

همانطور که قبلاً گذشت نمایندگان آذربایجان نتوانسته بودند در دوره چهارم به مجلس شورای ملی راه یابند؛ لذا شیخ محمد خیابانی به تاریخ 22 اسفند 1298 شمسی در تبریز مجلس محلی را راه اندازی نمود. این مجلس در امور سیاسی و اجتماعی آذربایجان تصمیم گیری می نمود و مصوبات آن از طریق روزنامه تجدد به اطلاع مردم می رسید.

قیام شیخ محمد خیابانی

مردم تبریز نوروز سال 1299 را در وضعیتی متفاوت از سالهای قبل سپری کردند و در حالی که مردم تبریز هیچ نماینده ای در مجلس شورای ملی نداشتند هر روز خبرهای جدیدی از دخالت گسترده بیگانگان در ایران به گوششان می رسید و آنان را بیش از پیش نگران می ساخت. مردم تبریز منتظر فرصتی بودند تا خشم و نفرت خود را از رژیم حاکم و نفوذ بیگانگان در کشور نشان دهند.

روز سه شنبه 17 فروردین ماه 1298؛ تعداد زیادی از آزادیخواهان در حیاط ساختمان تجدد تجمع کرده بودند و خواستار دستور شیخ محمد خیابانی برای آزادی میر باقر از کلانتری نوبر بودند؛ میرزا باقر از یاران شیخ محمد خیابانی به سبب مخالفت با مآژور بیورلینگ & رئیس شهربانی تبریز که فردی خارجی بود و از طرف وثوق الدوله منصوب شده بود- زندانی شده بود؛ شیخ محمد خیابانی با دیدن خشم و خروش مردم دستور آزادی میر باقر را صادر کرد و تعدادی از آزادیخواهان با حمله به کلانتری نوبر موفق به آزادی او شدند و ماموران کلانتری نتوانستند کاری از پیش برند.

بامداد 18 فروردین 1299 در تبریز، یکی از با شکوه ترین قهرمانیهای تاریخ ایران ترسیم گردید. بازار تعطیل شد. شعارهای ضد دولت وثوق الدوله و مزدورانش، در فضای شهر طنین افکنده بود. دانش آموزان مدارس، به حالت راهپیمایی در ساختمان و اطراف ساختمان تجدد گرد آمدند. مردم آزادیخواه، مسلمان و قهرمان تبریز، به اشاره پیشوای مذهبی خود & شیخ محمد خیابانی - به شهربانی ریخته، آزادیخواهان بازداشت شده را از زندان نجات دادند. ادارت شهر همه به دست آزادیخواهان افتاد. شیخ به ماموران وثوق الدوله در تبریز اخطار کرد که هر چه زودتر تبریز را ترک گویند و آنان چهارشنبه شب، تبریز را به قصد تهران ترک کردند و در حقیقت نهضت آزادیستان به صورت رسمی شروع

گردید.

بدین ترتیب در کمترین فرصت ممکن تبریز از ماموران دولت وثوق الدوله خالی شد و اداره شهر به دست خیابانی و یارانش افتاد. در روز پنجشنبه خیابانی هیأت مدیره ای را برای اداره اجتماع مردم و تصمیم گیریهای لازم، انتخاب کرد. این هیأت، در همان روز بیانیه ای به زبان فارسی و فرانسه نوشته، به دیوارهای شهر نصب کردند: «آزادیخواهان شهر تبریز در مقابل تمایلات ارتجاعی برخی افراد ضد مشروطیت که در حکومتهای محلی و در مرکز ایالت آذربایجان ظهور کرده بود، به هیجان آمده و دست به اعتراض و قیام زدند. آزادیخواهان تبریز اعلام می کنند که برنامه آنان عبارت است از تحصیل اطمینان کامل در احترام به قانون اساسی و اجرای صادقانه آن. آزادیخواهان موقعیت فوق العاده حساس فعلی را در نظر گرفته و مصمم هستند که نظم و آسایش را به هر وسیله که باشد، برقرار دارند. برنامه آزادیخواهان در دو عبارت خلاصه می شود:

1- برقرار داشتن آسایش عمومی

2- از قوه به فعل آوردن رژیم مشروطیت»

قیام مردم تبریز به رهبری شیخ محمد خیابانی تا شهریور ماه همان سال ادامه داشت در این مدت تلاشهای فراوانی از ناحیه دولت مرکزی برای شکست قیام صورت گرفت که جملگی به شکست انجامید و خیابانی از طریق سخنرانیهای پر شور در حیاط ساختمان تجدد تلاش می نمود روحیه انقلابی مردم را زنده نگه دارد. در زمانی که تبریز به دست خیابانی اداره می شد وثوق الدوله از نخست وزیری احمد شاه عزل و مشیر الدوله به جای وی منصوب شد؛ نخست وزیر جدید برای شکست قیام شیخ محمد خیابانی؛ مهدی قلی خان هدایت، معروف به مخبر السلطنه، که در آن زمان تاحدودی چهره موجه و ملی داشت را انتخاب نمود و او بدون سرباز و محافظ وارد تبریز شد. مخبر السلطنه در ابتدا سعی کرد از طریق صحبت با دوستان خیابانی، او را از ادامه نهضت باز دارد. ولی خیابانی چون صلاح مملکت را در ادامه قیام می دید اعتنایی به مخبر السلطنه نکرد و از طرفی فکر نمی نمود که او قصد خیانت داشته باشد. مخبر السلطنه چون از راه تزویر و مذاکره نتوانست خیابانی را از راهی که در پیش گرفته منصرف سازد، با رئیس قزاقخانه تبریز - که یک کلنل روسی بود - گفتگو نموده و بعد از تئانی؛ نقشه سرنگونی قیام مردم تبریز را طرح ریزی نمود. سرانجام در صبح 21 شهریور 1299 که بسیاری از نیروهای مسلح خیابانی برای برچیدن اشرار محلی به اطراف تبریز رفته بودند و نیروی اندکی در شهر و اطراف عالی قاپور (مقر حکومت خیابانی و مرکز قیام) مانده بود، قزاقهای مسلح به دستور کلنل روسی و مخبر السلطنه، به شهر ریختند و تمام نیروهای شیخ محمد خیابانی را یا کشتند یا خلع سلاح کردند و همه مراکز آزادیخواهان و ادارات را به تصرف خود در آوردند و عالی قاپور را از اختیار شیخ خارج نمودند. بعد از آن قزاقها به فرمان مخبر السلطنه به خانه خیابانی ریختند، ولی قبل از اینکه به او دست بیاورند خیابانی از راه پشت بام به خانه همسایه اش، شیخ حسنعلی میانجی، رفته بود. شیخ حسنعلی اصرار کرد که پیش مخبر السلطنه برود و وساطت کند، ولی خیابانی نپذیرفت. تا اینکه بعد از ظهر 22 شهریور 1299، مخفی گاه خیابانی پیدا شد و با شلیک چند تیر به دست اسماعیل قزاق، در زیر زمین خانه شیخ حسنعلی میانجی به شهادت رسید. پیکرش را بیرون آوردند و در گورستان سید حمزه تبریز به خاک سپردند.

بدین ترتیب قیام شیخ محمد خیابانی که از تاریخ 17 فروردین ماه 1299 شروع شده بود در تاریخ 22 شهریور ماه همان سال به پایان رسید.

نتیجه گیری:

با تامل در زندگانی و قیام شیخ محمد خیابانی می توان چند نکته اساسی را مورد توجه قرار داد:

1- گستره نگاه ایشان کل ایران بود و لذا ایشان در فکر اصلاح امور در تمام ایران بودند لیکن از آنجائیکه مقتضیات زمانی ایجاب می نمود اصلاح امور آذربایجان را به عنوان جزئی از ایران در دستور کار خود قرار داده بودند. از شیخ محمد خیابانی کم تر نوشته یا سخنرانی یافت می شود که محور معنای اصلی یا تلویحی آن ایران، ایرانی، تمامیت سرزمینی ایرانی و ایران گرایی نباشد. دیدگاه های او چه از دید جزء به کل و چه برعکس کاملا روشن و بی چون و چرا هستند. ایشان بعنوان مثال در دهها سخنرانی گفته اند: «آذربایجان جزء لاینفک خاک ایران است» و در جای دیگر ایران را بدون آذربایجان ملکی ناقص می شمارد. لذا بدیهی است آنهاهی که قیام شیخ محمد خیابانی را اقدامی برای تجزیه ایران و یا حرکتی در جهت استقلال آذربایجان از ایران معرفی می کنند سخت در اشتباه بوده و در حقیقت علاوه بر تحریف تاریخ به آرمان ایشان نیز خیانت می نمایند. شیخ محمد خیابانی خود می گوید: «با تمام مردم ایران دست به دست هم داده و کشور خود را از نابودی نجات خواهیم داد». همچنین در جای دیگر فلسفه نهضت آذربایجان را چنین شرح می دهد: «دموکراسی ایران در زیر چنگال ظلم و ستم خائنین به ستوه آمده ... قیام ما برای این است که دموکراسی ایران را از این شکنجه ی خونین نجات دهیم» علاوه بر آن ایشان در آخرین نطق خود چنین می گویند «تبریز می خواهد حاکمیت به دست ملت باشد. تمام ایران فعلا با زبان خود این را تقاضا می نماید. هرگاه تهران از قبول این نظریه سر پیچی کند؛ ما با اصول رادیکالیسم ایران را تجدید بنا خواهیم نمود؛ ما می گوئیم حاکمیت دموکراسی باید در سراسر ایران جاری باشد. اهالی ایالات و ولایات باید رای خود را آزادانه اظهار دارند. برای مدافعه این حق؛ آخرین مرحله مردن است و مردن در این راه را ما بر زندگی بی شرمانه تر جیح می دهیم.» همانطور که می بینیم شیخ محمد

خیابانی با الهام از مکتب امام حسین (ع) مرگ همراه با عزت را بر زندگی توأم با ذلت ترجیح داده و در صدد اصلاح امور در کل ایران می باشد.

2- مهمترین شاخصه قیام شیخ محمد خیابانی؛ مخالفت جدی ایشان با دخالت و نفوذ بیگانگان در امور داخلی ایران می باشد و در این مسیر به همه بیگانگان با یک چشم می نگریست و به نیات واقعی آنان واقف بود لذا همان اندازه که با پذیرش اولتیماتوم روسیه مخالف بود با انعقاد قرار داد 1919 که منافع ایران را در اختیار انگلیسیها قرار می داد نیز مخالفت می کرد و همانطور که دیدیم در جریان حمله عثمانیها به آذربایجان ایران که در صدد اجرای سیاستهای پان ترکیستی خود بودند نیز به مخالفت برخاسته و حتی زندانی شد. لذا امروزه افرادی گروههایی که ضمن سرسپردگی به کشورهای بیگانه خود را طرفدار مردم آذربایجان اعلام می کنند و بعضا خود را وارث شخصیتهایی نظیر شیخ محمد خیابانی و ستارخان و باقر خان و... معرفی می کنند؛ بایستی به این نکته توجه داشته باشند که مهمترین ویژگی و بارزترین دلیل محبوبیت شخصیتهایی نظیر شیخ محمد خیابانی در بیگانه ستیزی آنان خلاصه می شود. البته سوء استفاده از محبوبیت شیخ محمد خیابانی و قیام ایشان مسبوق به سابقه می باشد. در سال 1324 سران دولت روسیه که تلاش می نمودند آذربایجان را از ایران جدا نمایند؛ دستور دادند تشکیلاتی با عنوان فرقه دموکرات در تبریز تشکیل گردد چرا که می دانستند مردم تبریز از شیخ محمد خیابانی و یاران او که عموما دموکرات نامیده می شدند یادهای نیک دارند.

3- انقلاب اسلامی ایران که حدود 58 سال بعد از قیام شیخ محمد خیابانی به پیروزی رسید در حقیقت آرمانهای ایشان و همه شهدایی را که در راه استقلال و آزادی ایران جان خود را فدا کرده بودند محقق ساخت؛ اگر مهمترین دغدغه خیابانی مقابله با نفوذ و دخالت بیگانگان در امور ایران بود جمهوری اسلامی ایران نیز از ابتدای پیروزی خود؛ شعار «نه شرقی نه غربی» را سرلوحه سیاست خارجی خود قرارداد و تا به امروز در اجرای این اصل بنیادین خود به هیچ قدرتی اجازه نداده است در امور داخلی ایران نقش آفرینی نماید؛ اگر شیخ محمد خیابانی در آخرین نطق خود؛ خواستار حاکمیت کشور به دست ملت بود امروزه در سایه انقلاب اسلامی ایران همه مسئولین مملکتی؛ به صورت مستقیم یا غیر مستقیم - از طریق مراجعه به آرای مردم انتخاب می شوند و اگر شیخ محمد خیابانی به دنبال جاری نمودن اصول دموکراسی در سراسر ایران بود امروزه ملت ایران؛ مردم سالاری دینی را به عنوان بهترین نوع دموکراسی تجربه نموده و به سوی آینده ای روشن حرکت می نمایند.

منابع:

1- قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز، علی آذری، چاپ چهارم، تهران، 1362

2- قیام آذربایجان و ستارخان، اسماعیل امیر خیزی، تبریز، 1339

3- شیخ محمد خیابانی خروش حماسه ها، مصطفی قلیزاده، تهران، 1372

4- شرح حال و اقدامات شیخ محمد خیابانی، به قلم جمعی از دوستان شیخ شهید، چاپ برلین، 1304 ش،

- 5- تاریخ هیجده ساله آذربایجان ، احمد کسروی ، ج 2. چاپ نهم ،
6- تاریخ بیست ساله ایران ، حسین مکی ، ج 2، ص 34 - 42.
7- جنبش آزادیستان، شیخ محمد خیابانی ؛ عبدالحسین ناهیدی آذر، تبریز، نشر اختر، 1379
8- روزنامه شرق: 29 و 30 فروردین 1389؛ مصاحبه سالار سیف الدینی با فرامرز خیابانی
9- سایت اینترنتی اوراسیا- www.iraneurasia.ir
10 - تلویزیون اجتماعی جمهوری آذربایجان - 89/03/20
11- روزنامه 525 چاپ باکو &ndash؛ مورخه 89/3/20